

نمایش‌های تن



- رویکرد روان‌کاوانه به بیماری‌های روان‌تنی
- جویس مک‌دوگال
- ترجمه داوود حسینی
- نشر هنوز
- ۲۶۴ صفحه
- ۹۹ هزار تومان

دردهای شدید روان‌تنی و نیز آسیب‌پذیری‌های روان‌تنی، جزء موارد تردیدبرانگیز کاوش‌های روان‌تحلیلگرانه هستند. جویس مک‌دوگال در «نمایش‌های تن» تلاش می‌کند تا ما را با خود در سفری به سرزمین تاریکی و سکون همراه سازد. جایی که هنوز به کلمات ره نداده. سرزمین آشفته‌گی و اغتشاش نویسنده نشان می‌دهد که وقتی دهان به سبب دسترسی نداشتن به واژگان بسته است، بدن به سخن می‌آید و حدیث درد سر می‌دهد.

سرآغازها



- زمین چگونه به ما هستی بخشید
- لوئیس دارتنل
- ترجمه سحر یوسفی و مانی پارسا
- نشر نو
- ۴۸۰ صفحه
- ۱۸۰ هزار تومان

لوئیس دارتنل دورنمایی تازه از روابط میان انسان‌ها و زمین ارائه می‌دهد. او بر زمین‌شناسی، جغرافیا، اخترشناسی و تاریخ اشراف دارد و آن‌چه کتابش را خاص می‌کند، شیوه برقرار کردن ارتباط میان این زمینه‌هاست به طریقی شفاف، منطقی و مفروح که آن را به اثری تراز اول تبدیل کرده است. سبک نگارش فرح‌بخش و سبک‌بال دارتنل مملو از بازی با کلمات است که او را از خیل علم‌نویسان ملال‌آور متمایز می‌کند.

جهان در دست تو



- سفری در فضا، زمان و فراطر
- کریستف گالفارد
- ترجمه بهروز نداف
- نشر اختران
- ۳۹۶ صفحه
- ۹۸ هزار تومان

«جهان در دست تو» سفری است هیجان‌انگیز به پهنه‌های زمان و فضا. کاری که گالفارد خود را وقف آن کرده، انتقال اندیشه‌های علمی مدرن به مردم به شیوه‌ای جذاب است. او احاطه چشم‌گیری بر فیزیک نظری و هم‌چنین استعدادی فراوان در نوشتن برای مخاطبان غیرمتخصص دارد و در این کتاب با بهره‌گیری از زبانی ساده نظریه‌هایی را که شالوده تمام دانش ما درباره جهان است نه توضیح، بلکه نشان می‌دهد.

اعتماد به اجماع عالمان

نیومی اورسکیز در چرا به علم اعتماد کنیم؟ دفاعی جسورانه و قاطع از علم می‌کند

مهرداد دیلمی روزنامه‌نگار

پاندمی کووید ۱۹ بیش از دو سال است که جهانیان را در وضعیتی استثنایی و بحرانی قرار داده و در این مدت بیش از هر وقت دیگر کارایی علم و اعتماد و بی‌اعتمادی به علم در حوزه عمومی مورد بحث قرار گرفته است. نظرات ضدونقیض و متفاوت پزشکان درباره چگونگی مواجهه با کووید ۱۹ و واکنش منفی عده‌ای نسبت به ضرورت واکسیناسیون عمومی بیش از هر وقت دیگر افکار عمومی را با این سؤال مواجه کرده که آیا پزشکان واقعاً می‌دانند چه می‌گویند، وقتی به ما می‌گویند که واکسن زدن خطری ندارد؟ آیا باید به حرف پزشکان و دانشمندان اعتماد کنیم؟ علاوه بر پزشکی در سایر حوزه‌ها هم با سوالات و چالش‌های مشابه روبه‌رو هستیم از جمله این‌که آیا باید نظرات متخصصان اقلیم‌شناسی را باور کنیم که درباره خطرات گرمایش جهانی هشدار می‌دهند؟ چرا باید به علم اعتماد کنیم آن هم وقتی سیاست‌مداران ما چنین اعتمادی ندارند؟ چگونه معرفت علمی (و خودمان) را از شر کسانی حفظ کنیم که علم منافعشان را تهدید می‌کند؟ در عصر اخبار جعلی و حقایق شبه‌علمی و در دوره‌ای که ایدئولوژی و نظرات شخصی غیرعلمی روی دست شواهد تجربی و روش علمی بلند شده است، علم چه جوابی دارد؟ چرا، چگونه و در چه زمانی می‌توان یا نمی‌توان به علم اعتماد کرد؟ چرا معرفت علمی را خصوصیت اجتماعی‌اش قابل اعتماد می‌کند؟ چگونه به حقیقت دست یابیم؟

ماهیت اجتماعی علم

نیومی اورسکیز، استاد تاریخ و فلسفه علم و استاد علوم زمین دانشگاه هاروارد در کتاب بسیار مهم «چرا به علم اعتماد کنیم؟» دفاعی جسورانه و قاطع از علم می‌کند و روشن می‌سازد که چرا ماهیت اجتماعی معرفت علمی بزرگ‌ترین نقطه قوت آن است و نیز مهم‌ترین دلیلی که می‌توانیم به علم اعتماد کنیم. اورسکیز نویسنده‌ای مشهور در سطح بین‌المللی و از پیشاهنگان بحث درباره نقش علم در اجتماع و مسأله تغییر اقلیم بر اثر اقدامات انسان است. برخی از

کتاب‌هایش عبارت‌اند از «فروپاشی تمدن غربی: چشم‌اندازی از آینده»، «سوداگران شک: معدودی دانشمند چطور حقیقت را درباره مسائل مختلف از استعمال دخانیات گرفته تا گرمایش جهانی مخدوش کرده‌اند» و «رد رانش قاره‌ای و صفحات زمین‌ساخت: تاریخ درونی نظریه جدید زمین‌شناسی». قابل اعتماد بودن علم نه به واسطه شخصیت شخص مشغول به آن، بلکه به واسطه ماهیت فعالیت‌های علمی است. باید از راه مطالعه تجربی این گونه فعالیت‌ها را بررسی کنیم. پس از نگاه کسانی که برنامه کنتی را دنبال کردند پرسش‌های کلیدی از این قرار بود: این فعالیت‌ها دقیقاً چه هستند؟ آیا چیزی به نام روش علمی وجود دارد؟ اورسکیز با دنبال کردن تاریخ و فلسفه علم از اواخر قرن نوزدهم تا به امروز، توضیح می‌دهد که برخلاف باور رایج، هیچ روش علمی واحدی وجود ندارد بلکه قابل اعتماد بودن مدعاهای علمی ناشی از فرایندهایی اجتماعی است که از طریق آن‌ها مدعاها با دقت فراوان بررسی و ارزیابی می‌شوند. این فرایندها بی‌نقص نیستند - وقتی پای انسان در میان است هیچ چیزی بی‌نقص نیست - اما نویسنده از موارد به خطر افتادن دانشمندان در این زمینه‌ها یاد می‌کند. اورسکیز بیان می‌کند که چطور اجماع شاخصی اساسی است که نشان می‌دهد چه وقت تکلیف یک مسأله علمی روشن شده و چه هنگام معرفت تولیدشده به احتمال فراوان قابل اعتماد است. به اعتقاد اورسکیز با اعتماد به علم از تمام مرگ‌ها و مصائب بشری نمی‌توان جلوگیری کرد و به هر حال گردباد و پاندمی همیشه بوده و خواهد بود و سیاست‌گذاری عمومی هیچ‌گاه فقط به پیروی از علم منحصر نخواهد بود و نباید هم بشود و در پیش‌گفتار کتاب می‌نویسد: «همه انتخاب‌ها در واقع نوعی برقراری موازنه است؛ همه سیاست‌های عمومی هزینه و فایده دارند. اما اگر به اطلاعات علمی مربوطه بی‌توجه باشیم - یا بدتر، آگاهانه انکارشان کنیم - نمی‌توانیم درباره شکل برقراری این موازنه‌ها خوب تصمیم بگیریم یا به عبارتی نمی‌توانیم هزینه‌ها و فایده‌ها را دقیق محاسبه کنیم... اگر درک مناسبی از دانش علمی داشته باشیم و خوب از آن استفاده کنیم، جلوی بسیاری از درد و رنج‌ها را می‌توان گرفت. دانشمندان افرادی هستند که مسائل را طوری می‌فهمند که

می‌توانیم به نفع خودمان از آن بهره ببریم. آن‌ها چیزهایی می‌دانند که باید بدانیم و همان‌طور که کووید ۱۹ به شکل غم‌باری نشان داد، آن‌ها چیزهایی می‌دانند که با بی‌توجهی به آن چیزها خود را در معرض خطر قرار می‌دهیم.» این کتاب تفکربرانگیز و مناسب نیاز روز بر اساس «سخنرانی‌های تئیر درباره ارزش‌های انسانی» در دانشگاه پرینستون تألیف شده است و محققان برجسته‌ای در عرصه علوم سیاسی، تاریخ علم، فلسفه علم و اقلیم‌شناسی واکنش‌هایی انتقادی به موضوع کتاب داشته‌اند که بر فایده این اثر افزوده است. مقدمه روشن‌گر کتاب را استیون مسیدو، نظریه‌پرداز سیاسی، نگاشته است. نیومی اورسکیز در فصل اول کتابش با عنوان «چرا به علم اعتماد کنیم؟ چشم‌اندازی از تاریخ و فلسفه علم» ضمن به دست دادن پیش‌زمینه‌ای از بحث‌های فلسفی درباره ماهیت علم مطرح می‌کند که در سده‌های هجدهم و نوزدهم و پیش از آن، اعتماد در بسیاری از موارد متوجه «مردان بزرگ» بود و علم را به اندازه دانشمندان ارزشمند می‌دانستند. رفته‌رفته این اندیشه بدیل مطرح شد که مشاهده دقیق و پایبندی به روش‌های علمی اساس پیشرفت است. اورسکیز هم‌چنین انواع مختلف تجربه‌گرایی را بررسی می‌کند که در نیمه نخست قرن بیستم بر فلسفه‌های علم حاکم بود و همین‌طور چالشی که کارل پوپر مطرح کرد. او جوهر علم را نه تحقیق‌پذیری، بلکه گشودگی در برابر ابطال‌پذیری یا لغزش‌پذیری می‌دانست. پوپر بیش از پیشینیان خود بر لغزش‌پذیری معرفت بشری تأکید می‌کرد و کار را به جایی رساند که می‌گفت ابطال نه‌تنها خصوصیتی اجتناب‌ناپذیر از علم، بلکه هدف آن است؛ می‌گفت از راه ابطال است که علم پیشرفت می‌کند اما اگر این‌طور است که نظرات علمی ما نه‌تنها قرار است به‌زودی رد شوند، بلکه باید رد شوند، پس اصلاً چرا باید به آن‌ها باور داشته باشیم؟ پوپر به این پرسش با معرفی و بسط مفهوم «تأیید» پاسخ می‌داد؛ می‌گفت دلیل موجهی داریم برای این‌که نظریه‌هایی را که آزمون‌های سخت را با موفقیت گذرانده‌اند باور داشته باشیم، مانند انحراف نور ستارگان به‌عنوان آزمون‌های نسبیّت عام. آزمون‌های تجربی موفق نظریه‌ها را تأیید می‌کنند،